

دوفصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال دهم، شماره ۳۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ (صص ۱۷۶-۱۵۹)

بازتاب فرهنگ و تمدن هند در متون عربی

۱- بتول محسنی راد

چکیده

سرزمین هند به واسطه برخورداری از تاریخ کهن و قدمتی چند هزار ساله، تاثیر زیادی بر گاهواره تمدن جهان، بویژه ادبیات و متون عربی به جا گذاشت؛ با نگاهی به متون نظم و نثر عربی در زمان های مختلف، این تاثیر به خوبی مشهود است. در این نوشتار سعی بر آن شده که به شکل موجز، تعریفی از هند و روابط آن با عرب ها، و انعکاس فرهنگ هند در ادبیات دوره های مختلف عربی ارائه شود. همچنین از خدمات بی شائبه "ابوریحان بیرونی" به عنوان پیشتاز مطالعات هندی " و پدر " هند شناسی " و خلق اثر بزرگ ایشان به نام "تحقیق ما للهند من مقوله مقبوله فی العقل أو مردزوله" که نقش مهمی در انعکاس و معرفی فرهنگ پر بار هند به جهان و دنیای عرب داشت، نام برده شود. و در ادامه به بررسی شاهکار بی نظیر ودیع البستانی نویسنده مشهور لبنانی در ترجمه حماسه های بزرگ هندی "مها بها را تا" و "رامایانا" به زبان عربی پرداخته می شود. در نهایت یافته های تحقیق حاکی از آن است که ترجمه ودیع البستانی مهم ترین میراث ترجمه در جهان عرب است. و کتاب ابوریحان برای معرفی تاریخ و فرهنگ هند قابل تامل و تقدیر است. این نوشتار به روش توصیفی و با تکیه بر منابع و اسناد تاریخی انجام گرفته است.

کلید واژه ها: تمدن هند، زبان عربی، ابوریحان بیرونی، ودیع البستانی.

۱- مقدمه

هندوستان کشوری وسیع، پرجمعیت و از اسرارآمیزترین سرزمین های جهان است، این سرزمین با تنوع نژادی، فرهنگی، مذهبی؛ و چشم اندازی شگرف، عامل جذب و شگفتی جهانیان به ویژه

۱- استادیار رشته زبان ادبیات عربی، دانشگاه سیستان و بلوچستان. (نویسنده مسئول). Email: bmohseni@lihu.us.ac.ir

تاریخ دریافت ۹۶/۱۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۲۱

دنیای عرب شده است. با مطالعه و بررسی متون نظم و نثر عربی، شیفتگی به ادبیات و فرهنگ هند در آثار شاعران دوره های مختلف عربی به خوبی مشهود است. اما آنچه در این میان شایان تامل است؛ کتاب "تحقیق ما للهند من مقوله مقبوله فی العقل أو مردوله" از ابوریحان بیرونی است. این کتاب که به زبان عربی نگاشته شده است؛ نقش مهمی در انتقال و انعکاس فرهنگ هندی به جهان عرب ایفا نموده است. از طرفی خدمات نویسندگان بزرگ لبنانی "ودیع البستانی" در انتقال آثار و فرهنگ هندی به جهان عرب، و ترجمه دو حماسه بزرگ هند به زبان عربی؛ ما را برآن داشت که بخاطر عظمت و نتایج این آثار و انعکاس خدمات نویسندگان زوایی از این همه تلاش را معرفی نماییم. در این تحقیق سعی بر آن است که با تکیه بر روش توصیفی به مراحل زیر اشاره شود: معرفی سرزمین هند، انعکاس فرهنگ و تمدن هند در اشعار شاعران دوره های مختلف عربی. معرفی آثاری مانند "تحقیق ما للهند من مقوله مقبوله فی العقل أو مردوله" و ویژگی های ترجمه " حماسه مها بها راتا " و "رامیانا" که در مورد سرزمین هند به رشته تحریر درآمده است.

۱-۱- بیان مساله و سوالات تحقیق

ابو ریحان بیرونی با خلق اثر خود، خدمت زیادی به جامعه هند نمود، و این سوال به ذهن می رسد، که آیا کتاب ابوریحان که به زبان عربی نگاشته شده است، در معرفی فرهنگ و تمدن هند به جامعه عرب نقش داشته است؟ کدام یک از دوره های تاریخ ادبیات عربی بیشترین تاثیر را گرفته است؟ علت توجه عرب ها به آثار هندی از دوره جاهلی تا معاصر چه بوده است؟ آیا این تاثیرات نتایجی بر زبان و فرهنگ عربی داشته است؟

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

جهان عرب نیز مانند دیگر ملل جهان به دلایل مختلف در ارتباط و رفت و آمد با هند بوده و از این همه تنوع تاریخی و فرهنگی هند بی نصیب نمانده است. متون نظم و نثر عربی مملوء از کلمات و ادبیات هند است. بزرگترین شاهکار های هندی مثل حماسه مها بها راتا و رامیانا توسط اندیشمندان لبنانی به عربی ترجمه شده است. با توجه به کثرت این آثار و نتایجی که بر زبان و ادبیات عربی در زمان های مختلف داشته برآن شدیم که گوشه ای از آن را معرفی نماییم.

۳-۱- روش تفصیلی تحقیق

ذکر شکوه و عظمت فرهنگ و تمدن هند در آثار عربی و توصیف آن نیاز به مراجعه به کتب تاریخی دارد. سعی شده است با تکیه بر اسناد و متون تاریخی و عربی گوشه ای از این همه تلاش و خدمات نویسندگان عربی و غیر عربی، به جامعه هند، در روش توصیفی به نمایش گذاشته شود.

۴-۱- پیشینه تحقیق

در مورد تاثیر فرهنگ و تمدن هند در دنیای عرب به زبان فارسی پژوهشی خاصی انجام نشده است.، اما به زبان عربی تحقیقاتی انجام گرفته است. "نقش هند در توسعه زبان عربی" از دکتر عبدالمجید عبدالعزیز. "نقش روزنامه و مجلات عربی در هند": ثمامه فیصل بن ابی المکارم. "فرهنگ عربی در هند": غازی خیران الملحم. "تاریخ تمدن هند": أحمد إبراهيم الشریف. فرهنگ هندی در عربی": عبدالرحمان الشرقاوی. فرهنگ هندی: محمد شمیم النظامی. اما بحثی که در این مقاله اشاره شده، نگارنده آن را جایی مشاهده نموده است.

۲- معرفی سرزمین هند

شبه قاره هند، سرزمینی پهناور و مثلثی شکلی در جنوب قاره آسیا است که اقوام و نژادها با زبانها و مذاهب مختلفی در آن زندگی میکنند. سرزمین وسیع هند که در این شبه قاره قرار دارد. با طبیعت بی نظیر و تنوع پدیده های اجتماعی ادیان، مذاهب، زبان) و پدیده های جغرافیایی (آب و هوای خاک)، بستر مناسبی برای ظهور فرهنگ های متنوع و با قدمت زیادرا فراهم نموده است. فرهنگی که ریشه در عمق تاریخ داشته و جهان از آن بهره های فراوان برده است. عجائب و طرائف این فرهنگ و میراث غنی؛ محل اعجاب، شگفتی، و تقدیر عرب ها در طی قرن ها بوده؛ و از مهم ترین عوامل تاثیر در فرهنگ و تمدن های جهان بوده است. از این نمونه می توان به فلسفه هایی که در هند به ظهور رسیده است مثل بودا و جینی اشاره نمود که صاحب شهرت فراوان در جهان شده و مردم دنیا بویژه سرزمین های مجاور هند با اشتیاق فراوان از آن تاثیر گرفته اند.

۱-۲- روابط هند و عرب

روابط عرب ها با هند از قبل از اسلام در شکل تجارت دریایی و خرید ادویه جات و توابل ادامه داشته است. و بعد از اسلام نیز در زمان اموی و عباسی این روابط ادامه داشته و منحصر به تجارت نبوده است بلکه عرب های یمن در اقصی نقاط هند؛ مساجد زیادی ساختند و حلقه های درس

برای مسلمانان هندی و آموزش زبان عربی به آنان پربا نمودند. از قرن هفتم تا دهم میلادی عصر طلایی روابط بین هند و کشورهای عربی محسوب می شد و مرحله گفتگوی تمدن ها با تمام معنا شکل گرفت. (معجم البلدان ۱۹۹۰:۱۰۷). در این مرحله از روابط ؛ عرب ها با حکمت، فلسفه، دیانت، فرهنگ، علوم و هنر هندی از طریق ترجمه کتاب های کلاسیکی و سنسکریت و کتاب هایی که جهانگردان عرب از برداشت های خود داشتند. آشنایی یافته، که از مهمترین آنها میتوان از ابوزید صرافی، سلیمان تاجر، مسعودی، ابن حوقل جاحظ، اصطخری، المقدسی، ابن حزم، بیرونی، ابن بطوطه، خوارزمی... و مترجمین نام برد (همان: ۱۰۲).

زبان عربی در شمال هند گسترش پیدا کرد و نویسندگان و فرهیختگان زیادی را در زبان و فرهنگ عربی تولید نمود. غلبه فرهنگ هند بر جهان تا اواخر امپراطوری مغولی ادامه پیدا کرد و بعد از آن به سستی گرایید. (احمد ابراهیم: ۲۰۰۶: ۱۰۱).

۱-۲- انعکاس فرهنگ هندی در متون و ادبیات عربی

تاثیر فرهنگی هند بر خاورمیانه بویژه کشورهای عربی بر زبان و فرهنگ از سه نظر قابل تامل است:
- **کلمات و لغات هندی:** این لغات از طریق روابط تجاری و اقتصادی بین عرب ها و هند وارد زبان عربی شد. مثل: زنجبیل، کافور، فلفل، القرنفل، میخک. (شهاب غانم: ۲۰۰۵: ۱۵۰)
- **تاثیر قصه های هندی:** مثل: کلیله و دمنه و هزارویک شب.

- **حکمت ها:** اهالی هندها به اهل حکمت شناخته شده و زبان عربی از این حکمت های هندی بهره های فراوان برده است. ابن قتیبه در یکی از کتاب های هندی به نام " شر المال ما لا ینفق منه " می فرماید: هندی هاشهور به اصحاب نکته ها و حکمت های معروف هستند (ابن خلکان، ۱۹۷۵، ۹۷).

و این امر در کتاب های رحلات، ترجمه ها، قصاید و اشعار به خوبی نمایان هست؛ **الحديث عن الهند ذو شجون:** یعنی سخن گفتن در مورد هند، طولانی و دارای فنون و شاخه های مختلفی هست. زیرا هند سرزمین اسرار و اسطوره ها، ادیان، تعدد زبان ها و رنگ ها، ملتها و طبقات است.

تاثیر فرهنگ و آداب هند در اشعار عربی

از زمان های قدیم، فرهنگ و آداب و رسوم هند ملت عرب را به خود جذب کرد جبران خلیل در قصیده خود به عنوان " هند " می فرماید:

الحزم حین دعاک هنداً	یا هند لم یخطیء أبوک
التقادماً فاستجداً	سماک باسم کاد یدرکه
قدم به و مجدناً مجداً	دعیت بنات العرب من
کانت لأرقی الخلق مهذاً	ما الهند إلا روض
و معهد الأنوار عهداً	وطن الرؤی أبد الأیید

(جبران خلیل جبران، ۱۹۹۸: ۳۹)

ای هند! پدر دوران‌دیش تو خطایی انجام نداده زمانی که ترا هند نام گذاری کرده است. چرا که سرزمین هند بهشتی هست که از مجد و شرف همه به آن افتخار می کنند و برای خلق مکانی آرام و محل تحقق یافتن رویاها است.

همان طور که عرب، مهند را برشمیری اطلاق می کند که از آهن هندی ساخته شده است. ازهری در قاموس الصحاح می فرماید: "المُهَنْد السیف المطبوع من حدید الهند".

کعب بن زهیر در قصیده بانث سعاد در وصف رسول اکرم می فرماید:
 إن الرسول لسیف یستضاء به مُهَنْد من سیوف الله مسلول

(کعب بن زهیر، ۱۸۷۶: ۳۴)

پیامبر شمشیری درخشان و نورانی است همانند شمشیرهای هندی و از نیام بیرون آمده، یعنی قاطع و آماده مبارزه با کفار است. همچنین می توان گفت: رسول خدا در نور و درخشانی به مثابه شمشیر خداوند است؛ یعنی انتخاب شده است.

در اشعار جاهلی و صدر اسلام نیز اشاره به هند و شمشیر هندی نیز شده است. مثلاً در شعر "مهلهل" آمده است:

هزموا العداة بكل رمح مارن مهند مثل الغدير الیمانی

(مهلهل، ۱۹۷۶: ۲۵)

دشمنان را توسط شمشیر هندی که نیزه ای محکم و تیز است شکست دادند.
 طرفه می گوید:

ظلم ذوی القربی أشدّ مضاضة علی المرء من وقع الحسام المهنّد (طرفه ۱۸۹۳: ۳۳)
 تاثیر ظلم و ستم خویشاوندان بر انسان از ضربه شمشیر هندی بدتر و دردناکتر است.

والأعشى می گوید:

فی فتیة کسيف الهند قد علموا أن هالك کل من یحفی وینتعل (أعشى، ۱۹۹۵: ۵۲)

گروهی از جوانان دریافتند که مرگ، فرقی بین فقیر و ثروتمند قایل نیست. به همین دلیل فرصت های خوشی را غنیمت شمرده و از آن استقبال نمودند و به خوبی درک کرده بودند که شمشیر هندی به هرکس اصابت کند در دم او را به هلاکت رسانده. اشاره به تیزی و شدت شمشیر هندی دارد.

عشیره اعشی در جنوب شرقی جزیره العرب، نزدیک ایرانیان ساکن بودند. به همین خاطر اعشی و عشیره اش به نوع خاصی با ایرانیان در ارتباط بودند. در این بیت فرهنگ و تمدن فارسی در شعر اعشی مشاهده می نماییم. اعشی در در منطقه ی یمامه، روستای منفوحه متولد شد (حنا الفاخوری ۱۹۹۵ : ۲۴۴) اسم او میمون بن قیس بن جندل بود. او از قبیله سعد بن ضبیعه بن قیس بود و به خاطر ضعف باصره اش کنیه ابوبصیر داشت. (ابن قتیبه، ۱۹۹۷: ۱۶۸) پدرش، قتیل الجوع: کسی که از گرسنگی کشته شد؛ لقب داشت زیرا از شدت گرما، به غاری پناه جست اما صخره ی عظیمی از کوه غلتید و دهانه غار را مسدود کرد. او سپس در آنجا از گرسنگی مرد. اعشی در اواخر عصر جاهلی زیست. او مردی عشرت طلب بود که تمام عمر خود را با باده نوشی و قمار با دوستان خود گذراند. اعشی اسلام را درک کرد ولی هیچگاه مسلمان نگشت. (الزکلی، ۱۹۹۰: ۳۴۱) طبق بررسی ها، او بت پرست بود و از هیچ گناهی دوری نمی جست. او در دوران نوجوانی راوی دایی خود، مسیب بن علس بود سپس خود در شعر به نبوغ رسید. از اخبار مربوط به او و لقبش، صنّاجه العرب، معلوم می شود که ناقل اشعار جاهلی بوده و آن را به آواز می خوانده است. وی یکی از اصحاب معلفات و یکی از شاعران طبقه ی اول عصر جاهلی است که هیچ شاعر برجسته ای به اندازه ی او شعر نسروده است (همان، ۱۶۹). اعشی در مورد سفرش به ایران می گوید:

قَدْ طُفْتُ مَا بَيْنَ بَانِقِيَا إِلَى عَدَنَ وَطَالَ فِي الْعُجْمِ تَرْحَالِي وَتَسْيَارِي (الحتی، ۱۹۹۴: ۱۷۵)

ترجمه: من شهر های بسیاری از بانقییا تا عدن را پیموده ام و رفت و آمد بسیاری در میان پارسیان داشته ام. از میان آثار جاهلی، هیچ اثری به اندازه ی دیوان اعشی بر کلمه های فارسی، نام های ایرانی و اشارت متعدد به پادشاهان ایران و امیران حیره شامل نیست (آذرنوش، ۱۳۷۴، ۱۲۴) ابن قتیبه می

گوید: اعشی نزد پادشاهان ایرانی می رفت، از این رو در شعر او کلمات فارسی بسیار است (ابن قتیبه، ۱۹۹۷: ۱۰۷).

امروء القیس شاعر جاهلی چنین گفته است:

إذا قامتا تَصَوَّعَ المسك منهما نسیم الصبا جاءت بریا القرنفل (امروء القیس: ۱۹۷۵: ۱۰۴)

ترجمه: محبوبه زمانیکه برخیزد عطری از او منتشر می شود، گویی که نسیم صبا بوی قرنفل (که گیاهی خوشبو است) را منتشر نموده است.

کلمه قرنفل که لغتی هندی است در این بیت از شعر امروء القیس دیده می شود. الشنفری می گوید:

إذا أوحش الیل الهدان وجدتنی هو الأُنس لی والمشرفی المهند (الشنفری، ۱۹۷۶: ۷۶)

اگر شمشیر من "شمشیر هندی باشد، دریدترین و سخت ترین شرایط، از چیزی وحشت ندارم.

همچنین شاعر عربی ابوالعلاء المعری تحت تاثیر حکمت هندی از خوردن گوشت و تخم مرغ اجتناب ورزیده است. خطیب بغدادی در کتاب تاریخ بغداد می گوید: "أبو العلاء المعری" "کان یتزهد ولا يأكل اللحم ویلبس الخشن من الثیاب" (تاریخ بغدادی، ۱۹۹۷: ۱۰۲). ابوالعلاء در تمام عمر گوشت حیوانات نمی خورد و لباس خشن می پوشید.

ابوالعلاء المعری ۴۵ سال از خوردن گوشت امتناع و به مصرف سبزیجات اکتفا ورزید. او همچنین آرزو داشت با جسد او مثل هندی ها رفتار کنند. در زمان مرگ جسد او را بسوزاند در این قصیده او تاثیر ایشان را از فرهنگ هندی در می یابیم:

حرق الهند من یموت فما	زاروه فی ردهء و لا تبکیر
واستراحوا من ضغط القبر میتا	و سؤال لمنکر و نکیر
إذا حرق الهندی، بالنار، نفسه،	فلم یبق نحض للتراب ولاعظم
فهل هو خاش من نکیر و منکر	وضغطه قبر لا یقوم لها نظم؟
لا تکرهوا جسدی إذا ما مسنی	ریب المنون فلا کرامة الجسد

(دیوان ابوالعلاء، ۱۹۷۱: ۲۱)

هندی ها هرکس از دنیا می رود، جسد او را می سوزانند. بدین ترتیب او را از کفن، فشار قبر

سوال منکر و نکیر نجات می دهند. و حتی استخوان پوسیده ای هم برای خاک نمی ماند. با جسد من هم بعد از مرگ همین طور عمل نمایید. چرا که کرامت و احترامی برای جسد بعد از مرگ نیست. همچنین در این بیت نیز به شمشیر هندی اکتفا نموده است.

أَصَابَهُ هِنْدَوَانِي فَاقْعَدَهُ أَوْ ذَابِلٌ مِنْ رِمَاحِ الْخَطِّ مُعْتَدِلٌ (همان: ۲۸۷)

ترجمه: به سرور آنان شمشیر هندی اصابت کرده و او را هلاک ساخته یا اینکه نیزه ای از نیزه های منسوب به خط او را نابود کرده است.

۲-۲- ودیع البستانی

ودیع البستانی اندیشمند و متفکر لبنانی، در کنار آثار خود به زبان های انگلیسی و فرانسه شیفته شعر هندی و فارسی بود. رباعیات عمر خیام و تعداد زیادی از اشعار طاغور و حماسه های هندی مثل "رامیانا" و "مهابهاراتا" به عربی ترجمه نمود. جایزه نوبل در شعر خیالی را بندراناث طاغور را از آن خود کرد. البستانی در واقع از حلقه های مهم ارتباط بین تمدن و فرهنگ هند و عربی به شمار می رود. ودیع از مهمترین پیشتازان نهضت ترجمه و تعریب در نیمه اول قرن بیستم بود. سفر های زیادی به کشورهای شرقی و غربی داشت و مردم را به اتحاد برای مبارزه با رژیم صهیونیستی فرا خواند. تاریخ خانواده بستانی با معلم بطرس البستانی و شیخ ناصیف الیازجی از مهمترین متفکران قرن نوزدهم در سرزمین شام شروع می شود. البستانی نسبتاً به البستان و بوستان یا بوستان کلمه فارسی اصل هست که ازدو کلمه: "بو" به معنای رایحه و "ستان" به معنای مکان گرفته شده است. نکته قابل تامل در این است که عرب ها این کلمه را به این دلیل از فارس استعاره گرفتند که آنان در جاهلیت و در صحرا های داغ سرزمین خودشان اثری از باغ و بوستان نداشتند تا بتوانند آنرا توصیف و نامی برای آن داشته باشند. به همین خاطر این کلمه را از ایرانیان به ارث گرفتند. و لکن بعد از اینکه توانستند سرزمین ایرانی ها را فتح و تصرف کنند. کم کم با شکوفه و گل و باغ آشنایی پیدا کردند. و بوستان را برای نام گذاری انتخاب نمودند. (ودیع البستانی، ۲۰۱۲: ۱۶).

ودیع به تدریس و وظائف دولتی و وکالت مشغول بود. در یمن در سفارت بریتانیا به عنوان مترجم مشغول بود. در زمانی که در مصر بود در وزارت کشور و وزارت کار انجام وظیفه می نمود. رئیس جمهور لبنان نشان شایستگی را به او هدیه کرد. بوستانی ها نقش مهمی در احیاء زبان عربی در دوره عثمانی داشتند. ودیع نیز مانند عمویش که ایلیاده را از یونانی به عربی ترجمه نمود؛ بعد از رفتن به هند و فراگیری ادب هندی حماسه مها بهاراتا و رامیانا را که از بزرگترین حماسه

وشاهکار های هندی بودند به عربی ترجمه نمود. مهابهاراتا با یک صد هزار بیت از بزرگترین حماسه منظوم جهان است. «این کتاب را از نقطه نظر کمیت و بزرگی حجم و نیز از این رو که گنجینه پر ارج معارف و حکم و ادب هندو میباشد «مهابهارت» نامیده اند. بنابر مأخذ داستانی هندو «بهرت» اولین فرمانروای کشور بهارت (= هند) بود» (جلالی نائینی، ۱۳۷۵: ۴۶۲). «مهاباراتا» یا «مهابهاراتا» سرودهای حماسی از سده پنجم یا ششم پیش از میلاد به زبان سانسکریت و به همراه رامایانا یکی از دو حماسه تاریخ هند است. که حماسه بزرگ هندوان به زبان سنسکریت که شامل هیجده کتاب است و سروده صدها شاعر بی نام و نشان، در زمان های مختلف که به وسیله ویاسا (Vyasa) ویاس حکیم و دانشمند جمع آوری شده است. و با بیش از یکصد هزار بیت، بلندترین سروده جهان است. کار نوشتن آن تا سده سوم یا چهارم میلادی ادامه یافته است. مهاباراتا «شاهنامه» هندیان است. برخی از تاریخدانان، موضوع این سروده ها را الهام گرفته از نبرد میان مردمان آریایی و درویدی در هزاره دوم پیش از میلاد می دانند (کری، ژان-کلود، ۲۰۰۱: ۹۴). واژه «مها» پیشوند است و به معنای بزرگترین بکار برده می شود و «بهاراتا» به معنای کشور هند است و از آن جا که داستان اساسی این حماسه متضمن شرح جنگ بزرگ هند است؛ به نام مهابهاراتا نامیده شده است. عقیده هندوان درباره این حماسه اینست که چیزی در دنیا نیست که در این کتاب نباشد و چیزی در این کتاب نیست که در دنیا وجود ندارد. مهاباراتا در قدیم بدستور اکبر شاه با نام «رزم نامه» به فارسی ترجمه شده است (بختیار، مظفر، ۱۳۵۰: ۱۵۹). بستانی حماسه بزرگ هندی به نام مهابهاراتا را به زبان عربی ترجمه نمود. از بین نه هزار بیت حدود سه هزار و پانصد بیت را ودیع به زبان عربی ترجمه نمود. شورای روابط فرهنگی مصر این اثر را منتشر نمود. ودیع اشعار طاغور را ترجمه واسم آن را بستان گذاشت. ودیع همچنین ۷۴۱ بیت از قصاید «شکونتالا» شاعر هندی را ترجمه و همچنین نلاد مایاندی «حماسه رامایانا» را به عربی ترجمه نمود (فاطمه الیاس، ۲۰۰۴: ۲۳). بعد از اتمام ترجمه ودیع نسخه ای از آن را به رهبر هند «جواهر لعل نهرو» هدیه داد. جواهر لعل نهرو بعد از دیدن ترجمه کتاب ودیع البستانی این جمله را گفت:

إن هذه الملحمة المعربة هي خير ما يستطيع العرب إهداءه إلى الهند (همان)

این حماسه ترجمه شده به زبان عربی؛ بهترین هدیه ای است که عربها به ملت هند تقدیم نمودند.

مهابهاراتا مجموعه ای از افسانه های تاریخی هند در هجده فصل است و بیش از صد هزار بیت شعر دارد عده ای آن را شاهنامه هند و بعضی آنرا حماسه ایلپاد وادیه آن کشور می نامند. مهابهاراتا ۱۳ کتاب بسیار بزرگ است و مانند شاهنامه فردوسی، تاریخ تمدن هند را از آغاز بازگو می کند. (هند در یک نگاه ۱۳۷۵: ۵۷)

داستان اصلی مهابهاراتا درباره جنگی است که در شمال هند (دهلی) میان دو قبیله بنام «پنجالها» و «کوروها» که پسر عموهای یکدیگر بودند تقریباً دوهزار سال پیش از میلاد مسیح در گرفتار است. کوروها صد نفر و فرزندان فردی نابینا بودند و پنجالها یا «پاوندوها» تنها پنج برادر ولی افرادی باایمان، راستگو، دلیر و نیکوکار بودند. در راه پس گرفتن حق خویش و زدودن بدیها، پاوندوها به راهنمایی سری کریشنا علیه کوروها صفآرایی کردند و هم پیمانان آنان را بقتل رسانیدند و سپس کناره گیری کرده و به جنگلها رفتند تا برای بخشوده شدن گناهان از خدای بزرگ خویش طلب آمرزش کنند و پس از آن در کوههای پربرف هیمالیا درگذشتند. (همان: ۶۲)

اگر یونانیان به حماسه الیاذة وادوسه افتخار می کنند. پس هند نیز به حماسه "رامایانا ومهابهاراتا" افتخار می کند. این دو حماسه پر از عقاید و اسطوره های شرق و عواطف و سلوک اجتماعی است. هیچ مطلبی در آفاق و انفس نمانده که این حماسه بدان نپرداخته باشد. مهابهاراتا را «ودای پنجم» نام نهاده اند، زیرا کتابی است جامع جمیع صفات و مطلوب مذاق خاص و عام و هر طبقه ای از طبقات جامعه هندو به فراخور فهم و دانایی خویش از آن بهره مند گردیده است (شایگان، ۱۳۸۳، ۲۳۷-۲۳۶). و این ویژگی هست که هندی ها به آن شهرت یافتند و این ادبیات و حماسه ها تاثیر واضحی در فرهنگ هندوها بجا گذاشت. مثلاً از حماسه رامایانا وقهرمانان آن، الگویی برای پیروی و اقتدا به آن در جامعه خود ساختند.

ویژگی ترجمه حماسه هندی: مهابهاراتا

ترجمه هایی که ودیع البستانی انجام داده است، بدون شک از مهم ترین میراث های ترجمه است که جهان عرب به خود دیده و به دلایلی بی نظیر است:

اول اینکه بدیع حماسه را به صیغه وروش زبان عربی ترجمه نموده است. یعنی وزن وفافیه طبق عروض عربی رعایت شده است.

دوم: مضمون آن کاملاً اسطوره ای هندی محض است که حقیقتاً از سرزمینی که ریشه در عمق تاریخ دارد سرچشمه می گیرد واز عجایب این ترجمه این است که ودیع توانسته است نزدیکی بین ذائقه خواننده عربی و دنیای این اسطوره را حفظ کند. و خواننده لذت زیادی از این حماسه معرب بستانی می برد. (خلیل شیخ: ۲۰۰۷: ۲۱). از طرفی اسلوب سرد در حماسه مها بهاراتا برحکایت تولیدی استطرادی مانند هزار و یک شب تکیه دارد. روش سبک روایت در "مهابهاراتا" مانند "هزار و یک شب" سبک گفتمانی استدلالی است و یک سبک شایع در متون دینی هندی هست. البته اصطلاحات حدیث از جمله ادبیات و هنر نیز به آن اضافه شده است. همچنین از خدمات دیگر ودیع معرب کردن الباده و ترجمه رباعیات خیام می باشد.

۱-۲-۲- ترجمه رامایانا به زبان عربی

رامایانا که ادبی تر از مهابهاراتا هست؛ توسط ودیع البستانی به عربی ترجمه شده است. این حماسه بزرگ هندی وقایع هجوم امیر "راما" را برای عبور از هند وسطی و جنوب رودخانه گانج تا سرزمین تامول و تالاش برای فتح جزیره لانکا یا سری لانکای کنونی، حکایت می کند و کوشش دارد حلقه های ارتباطی بین هند و شرق را ترسیم کند. از حماسه رامایانادر اغانی نام برده شده است. ودیع رامایانا را به دوازده قسمت تقسیم و ترجمه نموده است. ودیع در ترجمه رامایانا تعجب و شگفتی خود را از ادب هندی بیان نموده است (فاطمه الیاس، ۲۰۰۴: ۳۷).

تعداد ابیاتی که ودیع از حماسه رامایانا ترجمه نمود ۳۹۵۰ بیت شعر بود. رامایانا میراث هند مقدس هست که شاعر هندی فالمیکا آنرا در حماسه ای وصف نموده است. اما قصیده مربوط به چند شاعر است که در اغانی نیز از آن ها نام برده است. این دو حماسه دو اثر ادبی وزبانی بارز و برجسته در تاریخ ابداع هند می باشند. مها بهاراتا سومین اثر طولانی در ادبیات جهان می باشد و یکی از مصادر مهم در شناخت تاریخ دیانت هندی، فلسفه و اخلاق است.

بستانی، موسیقی حماسه های هندی را به خوبی درک کرده بود و به همین خاطر در ترجمه، از تنوع بحور شعر عربی استفاده نموده بود. وزن شعری غالب در حماسه ها وزن وافر بود.

ابوریحان بیرونی پدر هند شناسی و انسان شناسی

ابوریحان محمد بن احمد بیرونی دانشمند بزرگ ایرانی در علوم حکمت، اختر شناسی، ریاضیات، تاریخ، جغرافیا صاحب نام است. وی در سال ۳۲۶ هجری قمری در حوالی خوارزم متولد شد. و از این جهت به بیرونی یعنی خارج خوارزم معروف گشت. وی به زبان های خوارزمی، فارسی، عربی و زبان سانسکریت مسلط بود و با زبان یونانی باستان، عبری توراتی و زبان سریانی آشنایی داشت. بیرونی یک نویسنده بی طرف در نگارش باورهای مردم کشورهای مختلف بود و به پاس پژوهشهای قابل توجهش، با عنوان استاد شناخته شده است. (ابوریحان بیرونی، ۲۰۰۱: ۲۲)

بیرونی به نقاط مختلف هندوستان سفر و درحین اقامت در آن مناطق عرض جغرافیایی حدود ۱۱ شهر هند را تعیین نمود. او می نویسد در زمانی که در قلعه نندنه به سر می بردم، از کوهی که در مجاورت آن بود به منظور تخمین زدن قطر زمین استفاده نمود. تعداد زیاد رصدهای ثبت شده ای که به توسط ابوریحان در آنجا صورت گرفته است با رشته ای از گذرهای خورشید به نصف النهار شامل انقلاب تابستانی سال ۳۹۸ آغاز می شود و ماه گرفتگی روز ۳۰ شهریور همان سال را نیز در بر دارد. او به رصد اعتدالین و انقلابین در غزنه ادامه داد که آخرین آنها انقلاب زمستانی سال ۴۰۰ بود. این مدارک دال بر این است که او مدت زیادی را در غزنه گذرانده است. (همان: ۷۸)

ستم نکردیم اگر بگوییم ابوریحان بیرونی پیشتاز مطالعات و تحقیقات هندی نه تنها در جهان عربی بلکه در خارج هند نیز به شمار می آید. او نقش بسیار مهمی در انتشار فرهنگ و علوم هندی ایفا نمود. اما متأسفانه هندی ها در حق ابوریحان بیرونی جفا نموده و حق او را آنطور که شایسته این نابغه بی نظیر است؛ ادا ننمودند. (الآدرشیری: ۲۰۰۳: ۲۲)

خدمات ابوریحان بیرونی

"تحقیق ما لهند من مقوله مقبوله فی العقل او مردوله" این کتاب از مشهورترین کتاب های هست که در مورد علوم و فلسفه و تمدن هند نوشته شده است. کتاب در سال ۴۲۱ هجری بعد از وفات سلطان محمود غزنوی به رشته تالیف در آمد و در آن از موضوعات مثل: دیانت هندو ها، فلسفه وقوانین و مراسم هندی، جامعه هندی، علم و اخلاق طبقات در جامعه هندی، کتب دینی، هنر هندی، ستاره شناسی، علم ریاضی، زبان شناسی و زبان سانسکریت، اسطوره های هندی، تقویم های فلکی وقوانین آن، تاثیر براهمه بر جامعه هندی و مقدساتشان. کتاب تحقیق مالهند، حاصل سیزده سال تحقیقات بیرونی در هند است.

تحقیق ما للهند من مقوله مقبولة في العقل أو مردولة

به سختی می توان کتابی پیدا نمود که کامل و در برگیرنده تمام موضوعات باشد. حتی در زبان هندی کتابی به جامع بودن کتاب ابوریحان پیدا نمی کنیم. کارل بروکلمان می گوید: هرچه که علمای اسلام در آثار خود از معرفی امت ها گفتند، ابوریحان بیرونی در کتاب تحقیق ما للهند من مقوله مقبولة في العقل أو مردولة^۱ آورده است (کارل بروکلمان، ۱۹۰۹: ۱۰۳). تاریخ نویس ارنست هاوول در کتاب خود به نام "history of the Aryan rule In india" می گوید: مسلمانان مدیون هند هستند نه مدیون تمدن یونان چرا که تمدن هند رنگ های تمدن جدید را در سپیده دم زندگی شان دمید. او همچنین می گوید. اولین کتاب ریاضی، ستاره شناسی و طب که به دست مسلمانان در ایام خلیفه منصور عباسی رسید. کتاب هندی بود (ارنست هاوول، ۲۰۰۲: ۱۱۲). بیرونی در جریان لشکرکشی های محمود غزنوی به هند (پاکستان امروز بخشی از آن است) امکان یافت که در این سرزمین زبان هندی را فراگیرد و درباره اوضاع هند پژوهش کند که فرآورده این پژوهش، کتاب «هندشناسی» اوست. بیرونی ۱۸۳ کتاب داشته است که اکثر آنها از بین رفته است و فقط ۴۲ کتاب از آثار او به جا مانده است. بیرونی خدمات زیادی انجام داد زمانی که کتاب عناصر از اقلیدس و کتاب المجسطی از بطلمیوس را به زبان سانسکریتی که زبان هند قدیم باشد ترجمه نمود. و از کتاب های هندی که به عربی ترجمه نمود. کتاب کرناتک لفیجیانند و کتاب سمخیا لکبل و کتاب بتانجلی باوکاسدا است. (ابوریحان بیرونی، ۱۹۵۸: ۱۱۹). تحقیق ما للهند مشتمل بر ۸۰ باب است. بیرونی در این بابهای هشتادگانه، گزارشی مبسوط از دین و فلسفه هندی، آثارشان درباره نحو، شعر و سایر علوم، اوزان و مقادیر هندی؛ خط، کتابت و رسم الخط، اسامی ستارگان، برجها و منازل قمر، هیئت آسمان و زمین، دیدگاهشان درباره ربع مسکون، تاریخ و گاه شماری، کیهانشناسی، اخترشناسی، ریاضیات، آیینهای مختلف (زیارت، دادرسی و جزا، ارث، خوردن و آشامیدن، روزه، اعیاد و جشنها) و سرانجام اخترشماری (احکام نجوم) نزد هندوان ارائه کرده است. بیرونی در این کتاب کوشیده است تنها دیدگاههای هندوان را آنگونه که هست، روایت کند بی آنکه بهتانی زند یا در صدد رد آراء آنان باشد. (همان). موضوع مهم این است که کتاب ابوریحان بیرونی با نام: "تحقیق ما للهند من مقوله مقبولة في العقل أو مردولة" از طریق آینه روایت اطلاعات زیادی از فرهنگ و ادبیات هند به ما داده است.

هند در ادبیات عربی و سفرنامه ها

در بعضی از تفاسیر آمده حضرت آدم در سرزمین هند فرود آمد. امام سیوطی از ابن حاتم وعساگر نقل کرده: "اهبط آدم بالهند (سیوطی، ۱۹۷۶: ۵۶) در عصر عباسی به فضل تبادل فرهنگی بین عرب و ملت های دیگر مهند در ادبیات عربی زیاد ذکر شده است. همان طور که در "بیان وتیان" جاحظ نیز به چشم می خورد. در بلاغت مقتضی الحال از ادبیات هند گرفته شده است. (ضحی الاسلام، ۲۰۰۳: ۲۴۷). اولین ترجمه ای که از زبان هندی به عربی صورت گرفت در دوره عباسی بود. زمانی که گروهی از بغداد به طرف سند راه افتادند. و در بین آنان مردی به نام منکه که به علم ریاضی و ستاره شناسی آشنایی داشت و کتابی به همراه او بود، که منصور ابراهیم بن حبیب امر کرد که به عربی ترجمه شود. و ایشان زبان هندی را خوب می شناخت و این ترجمه به "السند الهند" معروف شد. همان طور که از این هندی دو کتاب دیگر به نام "الأرکند والأزجهر" نیز به جا مانده هست. و در خلافت منصور عبدالله بن مقفع کتاب کلیله و دمنه را از فارسی قدیم به عربی ترجمه نمود. (تاریخ الصلات بین الهند والعرب ۷۲). از بین دیگر کسان که در فرهنگ و نشر علوم هندی نقش داشتند می توان از: جهانگردان و مسافران نام برد مثل: سلیمان التاجر (۲۲۵ هجری) و ابو الزید حسن الصیاری (۲۲۴) و ابو دلاف (۳۳۱) و برزک بن شهیر یار الفارسی صاحب عجائب الهند (۳۰۰) و ابو الحسن المسعودی (۳۴۵) و المقدسی (۳۷۵) و جهانگرد معروف ابن بطوطه که در سال ۷۳۴ هجری به هند رسید اما ابوریحان بیرونی برتر از همه این ها بود. و با بینش عمیق تری علوم هندی را بررسی و با آگاهی و اطلاع کامل علوم هندی را به عربی ترجمه نمود. مستشرق ایتالیایی، Aldo Mielli) الدومیلی در وصف کتاب ابوریحان می نویسد: بیرونی توانست به آسانی کتابی بنویسد، که مایه شگفتی هست؛ و مرجع اساسی در تاریخ و جغرافیا، شناخت علوم عربی و هندی و هر آنچه که مربوط به زندگی و آیین ملت هند هست می باشد. (عبدالحلیم نجار، و محمد یوسف موسی، ۲۰۰۳: ۱۸۹).

تحفة النظر فی غرائب الامصار وعجائب الاسفار

ابن بطوطه جهانگرد مغربی (۱۳۰۴-۱۳۷۸) این کتاب را در مورد هند به رشته تحریر درآورده است. ابن بطوطه بیشتر عمر خود را در کشور های آفریقایی و آسیایی گذراند. سفر های او بیست و هشت سال طول کشید و در آن مدت زیادی در کشور هند در زمان پادشاهی سلطان محمد بن

غزنوی به سر برد. و در کتاب: "تحفه النظر فی غرائب الامصار وعجائب الاسفار" بخش زیادی را در مورد هند تخصیص داد. پادشاه هند قدوم اورا مبارک و منصب قاضی دهلی را به او پیشنهاد کرد.

۳- نتیجه

هند با تاریخ و فرهنگ بسیار کهن و پربراری که به ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد می رسد. دارای نژادها، زبانها، آیین ها، و فرهنگ های گوناگون می باشد. شبه قاره هند که به سه کشور هند، پاکستان و بنگلادش تبدیل شد، یکی از مکان های جذاب و تاثیر گذار در حوزه زبان عربی و فارسی بوده است. بازتاب این شیفتگی در آثار شاعران عربی به خوبی نمایان است. در دوره جاهلی در شعر شاعران مثل: أعشى، مهلهل. صدر اسلام: کعب بن زهیر. دوره عباسی: ابی العلاء المعری. دوره معاصر: جبران خلیل جبران و ودیع البستانی به خوبی مشهود هست. و در دوره معاصر عربی می توان از ودیع البستانی نام برد که حماسه مها بها راتا ورامیانا را به عربی ترجمه نمود. که این ترجمه کاری بی نظیری شد و بدون شک ودیع زحمات زیادی برای ترجمه این حماسه بزرگ متحمل شد؛ تا جهان عرب نیز از این همه زیبایی و شاهکار بهره مند شود. در این میان نقش ابوریحان بیرونی با نگارش کتاب: تحقیق ما للهند من مقوله مقبوله فی العقل او مردوله" در انتقال و انعکاس فرهنگ و تمدن هند به جهان عرب جای شگفتی و تقدیر دارد. امیدواریم هندی ها نیز قدر زحمات ابوریحان را گرامی بدارند. همان طور که شاهنامه، حماسه بزرگ طوس، تنها متعلق به سرزمین ایران و زبان فارسی نیست بلکه در حکم یک اثر جاودانی جهانی است. حماسه مها بها راتا نیز حماسه ای جهانی است. هم اکنون نیز این تاثیر و تاثر ادامه داشته و ما شاهد برگزاری کرسی های عربی در فرهنگستان های کشور هند هستیم.

۴- منابع

- ۱) آذرنوش، آذرتاش، راههای نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی، تهران: انتشارات توس، چاپ دوم. ۱۳۷۴ هـ ش
- ۲) ابن خلکان احمد، بن ابراهیم، وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان، بيروت، لبنان، الرائد العربي ۱۹۷۵ میلادی.
- ۳) ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، الشعر والشعراء، بيروت، شركة دار الأرقم، (۱۹۹۷م).
- ۴) ابن الرومی، علی بن العباس بن جریج، دیوان ابن الرومی، تحقیق أحمد حسن بسج، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۲۰۰۲م.
- ۵) ابن بطوطة، محمد بن عبد الله اللواتی ابن بطوطة، تحفة النظار فی غرائب الأمصار وعجائب الأسفار، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۹۹۲.
- ۶) الآدرشیری، عبدالرحمان، الثقافة الهندیة، قاهره، دارالعلوم، ۲۰۰۳م.
- ۷) الأنطاکي، فتح الله، الهند كما رأيتها، بیروت، دارالعالم، ۱۹۷۳م.
- ۸) الیاس، فاطمه، كنوز الهند والسند، نافذة علی الشعر السنسكريتی، بیروت، دارالكتاب العربی، ۱۹۹۶.
- ۹) ألدوميلى، العلم عند العرب وأثره فى تطور العلم العالمى، ترجمه د. عبدالحليم النجار ود. محمديوسف موسى، بیروت، دارالمكتب، ۲۰۰۱م.
- ۱۰) أمين، أحمد، ضحى الإسلام، القاهرة، مكتبة الأسرة، ۲۰۰۳م.
- ۱۱) امرؤ القیس بن حجر بن الحارث الكندی، دیوان امرئ القیس، توجه واهتمام عبد الرحمن المصطاوى، بیروت، چاپ دوم، دار المعرفة، ۱۴۲۵ هـ - ۲۰۰۴ م.
- ۱۲) بروكلمان، كارل، تاريخ ادب عربی، بیروت، دارالجيل، ۱۹۰۹.
- ۱۳) البستانی، ودیع، ملحمة الرامایانة، مصر، مطبعة المعارف، ۱۹۵۰م.
- ۱۴) البستانی، ودیع، ملحمة المهابراته، بیروت، العالم، ۱۹۵۲م.
- ۱۵) بختيار، مظفر، برخی از تراجم آثار سانسکریت به فارسی، تهران، نشریه معارف اسلامی، شماره ۱، فروردین ۱۳۵۰.
- ۱۶) البغدادی، عبدالقادر بن عمر، خزانه الأدب و لب لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۹۸۹م

(۱۷).

۱۸) بیرونی، ابوریحان، تحقیق ماللهند من مقوله مقبولة فی العقل أو مردولة، بیروت، عالم الکتب، ۱۹۷۸.

۱۹) بیرونی، ابوریحان، تحقیق ماللهند، ترجمه ی منوچهر صدوقی سها، ج ۱، بیروت، دارالعالم، ۱۹۹۵.

۲۰) دو کاسه، پیر، فلسفه های بزرگ، ترجمه، احمد آرام، تهران، نشر پرواز ۱۳۶۷.

۲۱) جلالی نائینی، محمدرضا، مهابهارت، چهارجلد، تهران، طهوری. ۱۳۸۰.

۲۲) جلالی نائینی، محمدرضا، هنددریک نگاه، تهران، نشر شیرازه، چاپ اول ۱۳۷۵.

۲۳) الحتی، حنا نصر، شرح دیوان الأعشى الكبير، بیروت، دار الکتب العربی، (۱۹۹۴م).

۲۴) الحموی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت، لبنان، جلد یکم، دارالکتب العلمیة، ۱۹۹۰ میلادی.

۲۵) خطیب البغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، بیروت، لبنان، دارالکتب العلمیة، ۱۹۹۷.

۲۶) خلیل جبران، جبران، دیوان خلیل جبران، دارالکتب العربیة، ۱۹۹۸.

۲۷) الزرکلی، خیرالدین، الأعلام، بیروت، دار العلم للملایین، (۱۹۹۰م).

۲۸) سعداوی، نوال، رحلاتی حول العالم، قاهره، دارالعلم للملایین، ۱۸۷۳م.

۲۹) السعید، أمینة، مشاهدات فی الهند. مصر، دار المعارف، ۱۹۴۶م.

۳۰) سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ق.

۳۱) شایگان، داریوش، ادیان و مکتبهای فلسفی هند، دو جلدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۳ش.

۳۲) شیخ، الخلیل، البستانی، لبنان، دارالجلیل، ۱۹۷۱.

۳۳) عبد العلیم، احمد، هندومهند، بیروت، المجمع العلمی الهندی، ۱۸۷۴م.

۳۴) الفاخوری، حنا، الجامع فی تاریخ الأدب العربی، بیروت، دارالجلیل، ط ۲. ۱۹۹۵م.

۳۵) الفاخوری، حنا، تحقیق دیوان امرئ القیس، بیروت، دارالجلیل، ۱۴۰۹هـ.

۳۶) کری، یرژان-کلود، ماهاپاراتا، برگردان بهمن کیارستمی، تهران: نشر ماهریز، ۱۳۷۹.

۳۷) کعب بن زهیر، دیوان کعب بن زهیر، محمد یوسف نجم، بیروت: دارصادر، ۱۹۹۵م.

۳۸) کمال، الأمير یوسف، سیاحتی فی بلاد الهند، أبوظبی، دار السویدی للنشر والتوزیع، ۲۰۰۳م.

- ٣٩) طرفه بن العبد، ديوان طرفه بن العبد، بيروت، لبنان، دارالكتب العلميه،
٤٠) منصور، أنيس. حول العالم في مائة يوم، بيروت، دارالنشر، بيروت، ١٩٨٤م.
٤١) معري، ابوالعلاء، ديوان ابوالعلاء، دارالجيل، بيروت، ٢٠٠١م.
٤٢) نوري، ماراتنا سيوس أغناطيوس، رحلة إلى الهند، أبوظبي، دار السويدى للنشر والتوزيع، ٢٠٠٣م.